



لزوم تحقق انقلاب فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت با نگاهی به نظریه ایدئولوژی فرهنگی آلتوسر

مرتضی غرسبان روزبهانی^۱ | محمد عبدالله زاده^۲ | احمد اولیایی^۳

چکیده

فرهنگ، فارغ از تعاریف علمی و دانشگاهی به‌عنوان روح جامعه و هوایی که جامعه در آن تنفس می‌کند جزو لاینفک حیات مردمان کشور است. این مهم در کنار هویت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران توجه بیشتر به بعد فرهنگی انقلاب اسلامی ایران به‌خصوص در دهه پنجم انقلاب در حوزه تعلیم و تربیت را ضروری می‌نماید. دهه پنجم انقلاب با فراز و نشیب‌های بسیاری که تغییر نسل از مهم‌ترین آن‌هاست با چالش‌های فرهنگی متعددی به‌ویژه در تعلیم و تربیت مواجه شده که بعضاً همان تضادهای فرهنگی ابتدای انقلاب که منجر به انقلاب فرهنگی ۵۹ شد را تداعی می‌کند. شاید نظریه ایدئولوژی فرهنگی آلتوسر که فرهنگ ایدئولوژیک را، راه نجات می‌داند ما را به سمت لزوم تداوم یا ازسرگیری انقلاب فرهنگی ۵۹ در حوزه تعلیم و تربیت، سوق دهد. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی نشان می‌دهد که چگونه باید با تزریق نگاهی ایدئولوژیک که برآمده از اصول و هویت انقلاب اسلامی ایران است، ماهیت و نه لزوماً مصادیق انقلاب فرهنگی ۵۹ را در دهه پنجم انقلاب برای حوزه تعلیم و تربیت در پیش گرفت. **کلیدواژه‌ها:** انقلاب فرهنگی؛ تعلیم و تربیت؛ آلتوسر؛ فرهنگ؛ ایدئولوژی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.54.3.8

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه مدرسی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی (ره)،

تهران، ایران. Mortezagharasban@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده مطالعات علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

۳. استادیار، گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده مطالعات علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

جان فیسک^۱ معتقد است که واژه‌ی فرهنگ در اصطلاح مطالعات فرهنگی نه مفهومی زیبایی‌شناسانه دارد و نه بر انسان‌گرایی تأکید می‌گذارد، بلکه مفهومی سیاسی است (ریسک ۱۳۸۳: ۱۱۷). سیاسی بدون مفهوم فرهنگ در کنار پدیده انقلاب اسلامی ایران می‌تواند نگاه و تحلیلی سیاسی بر وضعیت فرهنگی ایران به‌خصوص در دهه پنجم انقلاب را به ما گوشزد کند. دهه‌ای که علاوه بر تنش‌های فرهنگی ناشی از تهاجم‌ها فرهنگی بیرونی با گسست نسلی درونی نیز توأم شده و توانسته چالش‌های فرهنگی متعددی را در ابعاد گوناگون به‌ویژه تعلیم و تربیت ایجاد نماید. انقلاب فرهنگی که در سال ۱۳۵۹ به دستور حضرت امام خمینی (ره) رخ داد در امتداد آرمان‌های فرهنگی انقلاب ۱۳۵۷ بود. شاید اصلاً بتوان گفت که انقلاب ایران، خود ماهیتی فرهنگی داشت که مهم‌ترین و بارزترین عرصه ظهور آن در حوزه تعلیم و تربیت بود.

مبانی نظری

انقلاب از نظر واژگانی به معنای تغییر، تحول، برگشتگی و تبدیل و از نظر سیاسی به معنای اقدام عده‌ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. هر یک از نویسندگان داخلی و خارجی متناسب با دیدگاه خود، درباره انقلاب توضیحاتی داده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. در تعریف انقلاب با دیدگاه‌هایی از این دست روبه‌رو هستیم:

استاد مرتضی مطهری: انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه یا سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب. (مطهری، بی تا: ۲۹)

چالمرز جانسون^۲: انقلاب عبارت است از تلاش‌های موفق و یا ناموفق که به منظور ایجاد تغییراتی در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌گیرد. (جانسون، ۱۳۶۳: ۱۷)

ساموئل هانتینگتون^۳: انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادی و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط بر یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت و سیاست‌های حکومتی است. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸۵)

1. John Fiske
2. Chalmers Ashby Johnson
3. Samuel P. Huntington

با وجود همه اختلاف نظرهایی که در تعریف کلمه انقلاب به چشم می‌خورد، یک نکته قطعی به نظر می‌رسد و آن اینکه انقلاب به معنای «حرکتی مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه است که توأم با خشونت باشد.» (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۲)

اصطلاح فرهنگ از نظر تنوع مفاهیم و سعت معانی، سیر تاریخی و برداشت ادبی چنان ابعاد گسترده‌ای یافته است که دیگر نمی‌توان آن را به محدوده مفهوم و معانی دانش و تربیت منحصر دانست. باید گفت که وسعت و قلمرو فرهنگ به وسعت حیات اجتماعی انسان است و تمامی ذخایر و میراث‌های اندیشه و دست انسان از آغاز تا به امروز را شامل می‌شود. از این رو وسعت قلمرو موضوعی و انسان شمول بودن فرهنگ ممکن است باعث شود که خصوصیات مشترکی میان فرهنگ ما با تمدن، جامعه، شخصیت و نژاد و ... پدید آید.

برای فرهنگ تعاریف بسیار متعدد و متنوعی شده است که در اینجا برای روشن شدن موضوع و قلمرو آن به تعریف جامعی که تایلور^۱ در کتاب خود به نام فرهنگ ابتدایی^۲ ارائه داده است اشاره می‌کنیم: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است شامل: معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن، باور و سرانجام تمام عادات، رفتار و ضوابطی که فرد به عنوان عضو جامعه خود آن را فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی بر عهده دارد.» (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۸)

از عمده‌ترین کارکردهای فرهنگ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فرهنگ مانند یک علامت و نشان، جوامع را از یکدیگر جدا می‌کند. با شناخت فرهنگ است که می‌توانیم مفاهیم و معانی، نوع رفتار، نحوه گویش و ... را چه اجتماعی و چه فردی بشناسیم.

فرهنگ از مستحکم‌ترین پایه‌های همبستگی اجتماعی به شمار می‌آید. فرهنگ نه تنها آینه تمام نمای اجتماع و جامعه است بلکه عناصر لازم را برای شناخت جامعه فراهم می‌کند و در اختیار

1. Taylor
2. Primitive Culture

می‌گذارد و انسان با مشارکت در جامعه بدون آنکه مجبور باشد، شیوه‌های فکر کردن را اختراع می‌کند و بالاخره فرهنگ پیونددهنده قسمت‌های مختلف رفتار فرد یا افراد است. (همان، ۳۸)

به‌طور کلی می‌توان گفت: اساس فرهنگ بر سه اصل مبتنی است: باورها، ارزش‌ها و هنجارها. با توجه به محورهای اساسی فرهنگ، ثبات و پویایی آن منوط به پایداری عناصر سه‌گانه آن است. رعایت هنجارهای یک فرهنگ آنگاه ضمانت اجرای کافی خواهند یافت که مبتنی بر ارزش‌ها و باورها باشد. بسیاری از مشکلات اجتماعی در ابعاد فرهنگی، ناشی از این است که رفتارها بر پایه مستحکمی استوار نشده‌اند. با این حساب، با اندک تبلیغ و تلقینی چهره عوض می‌کنند که مدگرایی افراطی به‌ویژه در میان قشر جوان جامعه را می‌توان از نمونه‌های مشخص این مسئله برشمرد.

مبلغان بینش و نگرش‌های فرهنگی بیگانه، با توجه به ساختار شخصیتی و فکری خود، با استفاده از امکانات، به‌ویژه ابزارهای دیداری و شنیداری، درصدد برهم زدن ساختار سه حلقه‌ای این زنجیر فرهنگی هستند. آنان بیش از هر چیز، از طریق دگرگون کردن هنجارها وارد خواهند شد چراکه هنجارها نسبت به باورها و ارزش‌ها از استحکام درونی کمتری برخوردارند و در نتیجه آسیب به هنجارها آسیب به باورها و ارزش‌هاست.

نظام فرهنگی آنگاه پویا و شکل‌دهنده شخصیت افراد در جامعه خواهد بود که در جامعه طنین‌انداز باشد. اگر عموم افراد جامعه اطلاعات لازم فرهنگی (باورها، ارزش‌ها، هنجارها) را از مسیر مناسب دریافت کنند این امر، موجب یکپارچگی فرهنگی و شخصیت همسان افراد جامعه می‌شود.

بنابراین، شاهد هم‌گامی و یک‌سوئی و یکدستی در مقام عمل خواهیم بود و تقلیدها و مدگرایی‌ها به حداقل خواهد رسید. در مقابل در جهان اطلاع‌رسانی کنونی افراد با منابع و اهداف مختلفی مواجه‌اند که همگی در ترویج باورهای خود در تلاش‌اند. از این رو هر منبع فرهنگی که بتواند اطلاع‌رسانی موفق‌تری داشته باشد، نظام فرهنگی را شکل می‌دهد و الگوی خود را حاکم خواهد کرد. (خیری، ۱۳۳-۱۱۵)

اسلام، مدعی توسعه است و چون محور توسعه، توسعه انسانی است، باید بر اساس دیدگاه اسلام مشخص شود که انسان کیست؟ نیاز او چیست؟ حقوق او کدام است؟ تکامل جوامع انسانی

به چه معناست؟ و ساختارهایی که این تکامل را تعریف می‌کنند، چگونه‌اند؟ استخراج این الگوی توسعه اجتماعی، موجب دگرگونی کلیه شئون زندگی مردم جامعه اعم از عقاید، ارزش‌ها، مناسبات انسانی و ضوابط و معیارهای حاکم بر مناسبات افراد جامعه و تحول در مدیریت، سیاست‌گذاری و علوم و مفاهیم بنیادین جامعه‌سازی می‌شود. (شرف زاده برادر، ۱۳۸۳: ۲۴۶) تا بر اساس آن، ساختارها و نهادهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شکل بگیرد و از درون آن‌ها، محصولات متناسب با زندگی اسلامی تولید شود. (جمالی و جعفر زاده، ۱۳۸۴: ۹۰) و جلوه عینی فرهنگ اسلام، یعنی تمدن اسلامی به وجود آید.

از این تحول در فرهنگ جامعه، به «انقلاب فرهنگی» یاد می‌شود که متضمن بقای حکومت اسلامی است، و امری دوسویه است که از یک‌سو به «توسعه معرفت دینی قاعده‌مند و بر محور تعبد نسبت به دین توقف دارد و از سوی دیگر مبتنی بر توسعه و تولید دیگر معرفت‌ها با محوریت معرفت دینی به منظور ارائه راهبرد عملی، معادلات کاربردی و برنامه نظام اجرایی کشور است. بنابراین دستیابی به آرمان انقلاب اسلامی مستلزم انقلاب فرهنگی به معنی تحول در علوم، ساختارها، برنامه‌ریزی‌ها، نهادها و مناسبت‌های اجتماعی است. این امور هم باید در حوزه و دانشگاه دنبال شود و تحقق آن‌ها، مستلزم فراهم آمدن بسترهای مناسب فرهنگی است. (شرف‌زاده برادر، همان: ۴۱)

۱- عوامل تغییر فرهنگی به شرح ذیل است



شکل ۱. عوامل تغییر فرهنگی

۱-۱- اختراع

که اختراعات بشر از زمان چاپ و خط تا اینترنت و مانند این‌ها به نحو وسیع و عمیقی فرهنگ را تحت الشعاع قرار داده است. به‌عنوان مثال مارشال مک لوهان^۱، چاپ را سرآغاز دور دوم تمدن بشری می‌داند.

۲-۱- طغیان، شورش، انقلاب

تغییر حکومت و نظام حاکم بر یک ملت چه به نحو طغیان، شورش و کودتا و چه به نحو انقلاب مبتنی بر خواست اکثریت می‌تواند یکی از مؤثرترین و سریع‌ترین راه‌های تغییر یک فرهنگ باشد. انقلاب اسلامی ایران خود گواه این مطلب است. انقلابی کاملاً ایدئولوژیک و فرهنگی که موجب تغییرات فرهنگی بسیار و جابجایی عناصر و ارزش‌های فرهنگی در ایران شد.

۳-۱- اشاعه

اشاعه فرهنگ به‌طور کلی از راه‌های انتقال عناصر فرهنگ میان جوامع است، قابلیت انتقال فرهنگ و اکتسابی بودن آن موجب شده است ملل مختلف به گونه‌ای اختیاری و ارادی یا غیرارادی به مبادله عناصر مختلف فرهنگ جامعه خود با جوامع دیگر پردازند. (مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی - سید رضا صالحی امیری، ص ۴۳)

به‌طور کلی اشاعه به دو طریق صورت می‌گیرد:

الف- تماس مستقیم: بخش‌هایی از فرهنگ یک جامعه، ممکن است نخست به وسیله جوامع همسایه اخذ شود و سپس به تدریج گسترده‌تر شود، مانند اشاعه تولید کاغذ که ابتدا در سال ۱۰۵ میلادی در چین اختراع و پس از آن به کشورهای همسایه از جمله ترکمنستان، چین، سمرقند، بغداد، مصر، مراکش، فرانسه، آلمان و انگلستان اشاعه یافت.

ب- تماس غیرمستقیم: اشاعه از طریق تماس غیرمستقیم به وسیله گروه ثالث اتفاق می‌افتد. اغلب بازرگانان، خصوصیتی را از یک جامعه می‌گیرند و به جامعه دیگر می‌برند. مانند بازرگانان فنیقه که الفبا را که یک گروه سامی اختراع کرده بود، اشاعه دادند. (عسگری خانقاه، ۱۳۷۲: ۱۳۲-۱۰۷)

1. McLuhan

۱-۴- فرهنگ پذیری

فرهنگ پذیری یعنی جریانی که باعث تغییر فرهنگی شود و زمانی به وقوع می‌پیوندد که گروه‌های مختلف فرهنگی با هم تماس و یا به نوعی ارتباط نزدیک دارند. پس در فرهنگ پذیری همچون اشاعه، منبع خصوصیت جدید فرهنگی، جامعه دیگر است، ولی اصطلاح فرهنگ پذیری بیشتر به وسیله انسان شناسان برای شرح حالتی به کار می‌رود که در آن یکی از جوامع در تماس و ایجاد ارتباط از دیگری بسیار قدرتمندتر باشد. بنابراین بهتر است گفته شود فرهنگ پذیری جریانی از تبادلات فرهنگی است که در میان جوامع به صورت غالب و مغلوب به چشم می‌خورد. اخذ خصوصیات فرهنگی در بین جوامع، گاه ممکن است یک جریان دوطرفه باشد ولی معمولاً جامعه مغلوب، خصوصیات فرهنگی بیشتری می‌گیرد. در این حالت می‌توان مفهوم اشاعه را برای گرفتن داوطلبانه خصوصیات فرهنگی و مفهوم فرهنگ‌پذیری را در مقابل اخذ خصوصیات فرهنگی تحت فشارهای خارجی نام برد.

فشارهای خارجی می‌تواند دارای اشکال مختلفی باشد در شکل مستقیم یعنی حالت فتح و غلبه و استعمار، گروه غالب فشار و زور، تغییر فرهنگی را به گروه مغلوب می‌قبولاند مانند فتح مکزیکی در حمله اسپانیایی‌ها که فاتحان، بسیاری از افراد را به زور وادار به قبول مذهب کاتولیک کردند. گاهی نیز تغییر با فشار غیرمستقیم به وجود می‌آید و مردم مغلوب برای بقاء و ادامه زندگی در وضعیت جدید مجبورند خصوصیات فرهنگی جامعه غالب را بپذیرند. (عسگری خائنه، همان: ۱۳۴)

به عبارت دیگر مفهوم اشاعه با تبادلات فرهنگی و مفهوم فرهنگ‌پذیری (از نوع افراطی آن) با تهاجم فرهنگی عجین است. از آنجایی که هیچ ملتی به تنهایی نمی‌تواند در کلیه معارف و علوم بشری پیشرفت کند، از این رو لازم است تا با دیگر ملت‌ها مبادله فرهنگی و علمی داشته باشد. تاریخ نیز گواه این ادعاست که ملت‌ها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر آداب و رسوم، خلیقات، باورها، علوم، پوشاک، زبان، معارف دینی و ... را از هم فرا گرفته‌اند و با این کار نیازهای اساسی خود را رفع و نسبت به تکمیل فرهنگ خود اقدام کرده‌اند.

این در حالی است که در تهاجم فرهنگی یا فرهنگ پذیری، جامعه غالب به طور آگاهانه سعی در القای مفاهیم و باورهای تازه با ترفندهای جدید تبلیغاتی و با استفاده از آخرین دستاوردهای علم روانشناسی به قصد جایگزینی باورهای ملی جامعه مغلوب را دارد.

به قول پائولو فریره^۱: استیلا گران قالب ریزی می کنند، استیلا شدگان قالب ریزی می شوند. دسته اول انتخاب می کنند دسته دوم از آن انتخاب، پیروی می کنند. در استیلا فرهنگی اساس این است که استیلا یافتگان به جایی برسند که واقعیت خود را بیشتر از دیدگاه مهاجمان ببینند تا از دیدگاه خود، زیرا هر چه بیشتر از استیلا گران تقلید شود موضعشان مستحکم تر می شود. برای آن که استیلائی فرهنگی توفیق یابد، اساس آن است که استیلا یافتگان به پست تری ذاتی خود متقاعد شوند در مقابل استیلا گران حالت برتری می یابند بنابراین ارزش های جامعه برتر الگویی برای جامعه استیلا یافته می شوند. در واقع اینان هر چه بیشتر سعی در پذیرش الگوهای رفتاری (راه رفتن، لباس پوشیدن، حرف زدن و ...) استیلا گران می کنند. (فریره^۲، ۱۳۵۸: ۱۸۲-۱۸۴)

لازم است دوباره بر این نکته تأکید شود که تغییر فرهنگی ابتدا در رفتار شخص ایجاد می شود این تغییر به صورت انحرافی در هنجارهای مرسوم قبلی رخ می دهد، ممکن است مورد استقبال قرار گیرد یا از آن صرف نظر شود. همچنین ممکن است بدون اعمال خشونت، در برابر آن تحریم صورت گیرد آن چنان که به تدریج محو یا طرد و سپس به شدت تحریم شود. به هر صورت این تغییرها در هیچ جامعه ای به طور جامع و آنی رخ نمی دهد. (آدامسون^۳، ۱۳۷۶: ۶۰)

۱-۵- نوسازی

یکی دیگر از عواملی که باعث ایجاد تغییرات همه جانبه در کلیه شئون زندگی می شود جریان نوسازی^۴ جامعه است که طی آن روش زندگی سنتی افراد یک جامعه به دستگامی پیچیده تر و از نظر فنی پیشرفته تر و متریقی تر تحول می یابد. در این میان آراء و نظریات فراوانی در خصوص نوسازی و شیوه انتقال از زندگی سنتی به نوین توسط متفکران این دیدگاه ارائه شده است که می توان به مدل "اسملسر"^۵ که یکی از دقیق ترین نظریات ارائه شده است، اشاره کرد. مدلی که

1. Paulo Freire
2. Freire
3. Adamson
4. Modernization
5. Smelser

اسم‌سرا ارائه می‌کند توصیف تحولات اجتماعی و فرهنگی است که با توسعه اقتصادی پیش می‌آیند.

دانیل لرنر^۱ در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۵۲-۱۹۵۱ درباره شش کشور خاورمیانه از جمله ایران انجام داد، بین شهرنشینی، سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه‌ها ارتباط نزدیکی یافت. به نظر وی نوسازی و رشد فرهنگی با این چهار متغیر مرتبط است. به طوری که سواد، رسانه‌ها را گسترش می‌دهد و رسانه‌ها نیز باعث عمومیت سطح سواد می‌شوند. قابلیت خواندن که ابتدا عده کمی از مردم آن را کسب می‌کنند آن‌ها را برای انجام دادن وظایف متنوعی که در جامعه جدید مورد نیاز است مهیا می‌گرداند در مرحله‌ای که فناوری ماهرانه توسعه صنعتی تا حدودی پیشرفت می‌کند جامعه به تولید روزنامه‌ها، شبکه‌های رادیویی و سینما و تلویزیون در مقیاس توده‌ای آغاز می‌کند و این امر موجب گسترش سواد می‌شود. این تعامل نیز نهادهای مشارکت را توسعه می‌دهد. (اسدی، ۱۳۵۶: ۲۳-۲۰) در تحقیقات مختلفی که در جهان سوم انجام گرفته مشاهده می‌شود که رشد اقتصادی، شهرنشینی، سوادآموزی، شرکت در زندگی سیاسی، رأی دادن، تقبل مسئولیت اجتماعی و پذیرش ارزش‌های عام با میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی ارتباط مستقیم دارد. (کازینو، ۱۳۶۵: ۳۱۶) علاوه بر تغییرات کند و تدریجی تقریباً نامحسوسی که در شرایط متعارف در فرهنگ همه جوامع به ویژه جوامع کمتر توسعه یافته روی می‌دهد، عوامل دیگری وجود دارند که جامعه‌شناسان از آن به عنوان عوامل سریع تغییرات فرهنگی یاد می‌کنند که عبارت‌اند از:

افزایش یا کاهش سریع جمعیت یک جامعه، در اثر حوادثی چون سیل، طوفان، شیوع بیماری، جنگ، غارت و ...

تغییر محیط جغرافیایی و مهاجرت دسته‌جمعی به سرزمین‌های جدید.

بر سرکار آمدن یا برکنار شدن یک رهبر سیاسی پر قدرت. (روح‌الامینی، همان: ۳۵)

دریک هارینسون^۲ می‌نویسد: «پیشرفت هر کشوری در درجه نخست به پیشرفت مردم آن کشور بستگی دارد اگر کشوری نتواند روحیه و استعداد‌های انسانی افراد خود را باور کند و از

1. Daniel Lerner
2. Drake Harbinson

جهت معنوی توسعه دهد به هیچ وجه قادر نیست که زندگی آن‌ها را از جهات اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی بهبود بخشد و به همین دلیل اولین وظیفه این کشورها کوشش برای نوسازی سرمایه‌های انسانی است.» (رشیدپور، ۱۳۴۸: ۱۱۰)

۱-۶- رسانه‌های گروهی و تغییرات فرهنگی

شاید در نگاه اول، رسانه‌های منعکس‌کننده وضع جامعه باشند اما با نگاهی دقیق‌تر درمی‌یابیم خود رسانه کشگری تغییر دارد و می‌تواند وضع جامعه را تغییر دهد. رابرت مرتون^۱ جامعه‌شناس معروف آمریکایی در این مورد می‌گوید: «رسانه‌ها می‌توانند در درازمدت ساختارهای ارزشی را بسازند یا دگرگون کنند.» اورث راجرز^۲ محقق آمریکایی نیز معتقد است که ارتباطات عامل دگرگونی اجتماعی هستند. (اتسلندر، ۱۳۷۱) تلویزیون با ارائه تصویر، جاذبه بیشتری دارد و بعد تازه‌ای به پیام می‌دهد چشم‌ها را به خود خیره می‌کند و فهم پیام را آسان‌تر می‌سازد و به دلیل وجود تصویر، اطلاعات کامل‌تر و درک عمیق‌تر به تماشاگر می‌دهد. (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۷۶) همان‌طور که روده‌های بزرگ از پیوستن جویبارها به وجود می‌آیند و رویدادهای بزرگ از به هم پیوستن رویدادهای کوچک پدید می‌آیند، پیام‌های رسانه‌های همگانی نیز به تدریج با پیوستن به هم ما را در خود غرق می‌کنند و در روش زندگی و شیوه عمل ما تغییر ایجاد می‌کنند و در نتیجه این تأثیر قوی اما نامحسوس، در ما اعتقادات تازه‌ای به وجود می‌آورد. (کازینو، ۱۳۶۴: ۱۱۶-۱۱۵) از این رو انسانی که وارث فرهنگ گذشته و دارنده فرهنگ کنونی و سازنده فرهنگ آینده است می‌تواند با دیدی باز و خلاق، امکانات فراوان وسایل ارتباط کنونی را در راه پیشرفت و اشاعه فرهنگ سوق دهد و از این وسایل به نحو احسن و در جهت مثبت استفاده کند و آن معایب و مخاطراتی را که سودجویی‌ها و قدرت طلبی‌های صاحبان و دارندگان این وسایل در راه پیشرفت و اشاعه فرهنگ به وجود می‌آورند از پیش پا بردارد و در راه اعتلا و سربلندی فرهنگ جامعه خود بکوشد. (نعمتی انارکی، پاییز ۷۴: ۱۱۷) به عبارت دیگر بنیاد باورهای اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه در قرن حاضر متکی به ابزارهای پیام‌رسانی است و سیما مهم‌ترین رکن چنین مجموعه‌ای است.

1. Robert K. Merton
2. Orth Rogers

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه موضوع به تحقیق خاصی که دقیقاً به این موضوع پرداخته باشد، برخورد نشد. لکن به تحقیقاتی که به بخشی از موضوع اشاره داشته، برخوردیم از جمله کتاب "انتقال فرهنگ دینی در نهاد آموزش «آسیب‌ها و راهکارها»" تألیف حجت‌الاسلام والمسلمین علی ذوعلم؛ کتاب "تعاملات دوسویه فرهنگ و اقتصاد" تألیف دکتر عادل پیغامی؛ کتاب "سیاست‌های فرهنگی در آیین وصیت‌نامه حضرت امام خمینی (ره)" تألیف فرید حاج سید جوادی؛ مقاله جهانی‌شدن، انقلاب اطلاعاتی و تعلیم و تربیت: با تأکید بر دیدگاه ژ.ف. لیوتار^۱، نوشته خسرو باقری؛ مقاله جایگاه تعلیم و تربیت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اثر زهرا جلیل پیران؛ و مقاله نقد فرهنگی بر مبنای نظریه ایدئولوژی آلتوسر: بررسی نسبت ایدئولوژی و فرهنگ، اثر کامران مرادی. که در هیچ‌یک از این موارد، به موضوع اصلی تحقیق ما که تحقق انقلاب فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت باشد، اشاره نشده است.

روش‌شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر از روش توصیفی تحلیلی استفاده گردیده در این روش، محقق علاوه بر توصیف تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود که معمولاً در فصل مربوط به سوابق و مباحث نظری تحقیق تدوین می‌گردند. محقق از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله تحقیق خود را با گزاره‌های کلی مربوطه ارتباط می‌دهد و به نتیجه‌گیری می‌پردازد. نکته قابل توجه این است که هر کدام از تحقیقات مزبور در جای خود ارزش علمی دارد.

این تحقیق نیز به‌ضرورت انقلاب فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت بر اساس نظریه ایدئولوژی فرهنگی آلتوسر می‌پردازد. مسئله مهم برای آلتوسر به‌عنوان نقطه شروع پرداخته او به ایدئولوژی، مسئله‌ی بازتولید است؛ از این رو آلتوسر با مطرح کردن مسئله‌ی بازتولید به ایدئولوژی می‌رسد و

1. Lyotard

اهمیت تحلیلی آن را به تصویر می کشاند. این تحقیق نیز با توصیف انقلاب فرهنگی سال ۵۹، و تعمیم آن وضعیت به وضعیت حوزه تعلیم و تربیت در عصر حاضر، بر مبنای نظریه ایدئولوژی فرهنگی آلتوسر به ضرورت این انقلاب در حوزه تعلیم و تربیت رسیده است.

سؤالات تحقیق

عنوان تحقیق عبارت است از «لزوم تحقق انقلاب فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت با نگاهی به نظریه ایدئولوژی فرهنگی آلتوسر» بر این اساس این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که: با توجه به نظریه ایدئولوژی فرهنگی آلتوسر، انقلاب فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت چه ضرورتی دارد؟

از این رو در پرداختن به این موضوع، پس از مفهوم شناسی، ابتدا به تشریح انقلاب فرهنگی سال ۵۹، و سپس نظریه ایدئولوژی فرهنگی آلتوسر، پرداخته و سپس با تبیین این وضعیت در حوزه تعلیم و تربیت به مقوله تغییر فرهنگی و سازوکارهای آن در عصر حاضر، به عنوان انقلاب فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت پرداخته می شود.

یافته‌ها

طی این تحقیق، یافته‌هایی نظیر: لزوم بازتولید در حوزه تعلیم و تربیت، امتداد انقلاب فرهنگی در طول تاریخ و در همه عرصه‌ها، ایجاد تحول اساسی در حوزه فرهنگ، آسیب‌ها و خلأها در حوزه تعلیم و تربیت؛ و سازوکارهای تغییر فرهنگ، به دست آمد. و جا دارد که در همه عرصه‌ها نیز این پژوهش صورت گیرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دانشگاه‌های ایران به مدت سه سال تعطیل شدند. این تعطیلی در پی مجموع رویداد های اوایل سال ۱۳۵۹ روی داد و تا سه سال ادامه داشت رویدادهایی که به انقلاب فرهنگی شهره گشت. هدف چنین انقلابی که مورد حمایت حضرت امام خمینی (ره) بود، اسلامی سازی دانشگاه‌ها عنوان شد. حضرت امام خمینی (ره) در فروردین سال ۱۳۵۹ بر تصفیه دانشگاه تأکید کرده و فرمودند: «باید انقلاب اسلامی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید تا استنادی که در ارتباط با شرق و یا غرب اند تصفیه گردند و دانشگاه

محیط سالمی شود برای تدریس علوم اسلامی.» به دنبال این پیام نوروزی بود که فاز اجرایی انقلاب فرهنگی آغاز شد. چند روز بعد بود که رئیس شهربانی وقت در بخشنامه ای از مسئولان دانشگاه‌ها خواست که از صدور مجوز برگزاری مراسم برای احزاب سیاسی در دانشگاه‌ها خودداری کنند.

حالا نوبت مردم بود که انقلاب فرهنگی را ادامه دهند. در ۲۱ فروردین ۱۳۵۹ دانشگاه تبریز شاهد تظاهراتی بود که برعلیه تشکل‌های دانشجویی غیر هم‌سو با جریان غالب انقلاب به وقوع پیوست، ۲۶ همان ماه برنامه پرسش و پاسخ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در همان دانشگاه به تشنج کشید و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با اشغال ساختمان مرکزی دانشگاه اعلام کردند تا زمانی که پاک‌سازی دانشجویان، استادان و کارکنان اجرا نشود آنجا را ترک نخواهند کرد.

سه روز پس از تشنج در سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حضرت امام خمینی (ره) در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرمودند که ما از محاصره اقتصادی و تجاوز نظامی نمی‌هراسیم ما از دانشگاه‌های غربی و آموزش جوانان ما در جهت منافع شرق و غرب می‌هراسیم. از این رو شورای انقلاب در همین روز به گروه‌های سیاسی داخل دانشگاه فرصتی سه روزه داد تا دانشگاه را تخلیه کنند. درگیری انجمن‌های اسلامی دانشجویان که در دست دانشجویان پیرو خط امام بود با دیگر گروه‌های سیاسی که ساز ناکوک و غیررسمی داشتند در دانشگاه‌های تهران، شیراز، بابلسر، کرج و جهرم رنگ و بویی از خشونت نیز داشت.

«در روز اول اردیبهشت که آخرین روز مهلت شورای انقلاب بود، خشونت‌ها به‌ویژه در دانشگاه تهران به اوج رسید و پس از آن که به گزارش روزنامه کیهان ۳۴۹، نفر زخمی و سه تن کشته شدند دانشجویان پیشگام وابسته به سازمان چریک‌های فدایی خلق به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه مقاومت کننده، تخلیه دفتر خود در دانشگاه تهران را پذیرفتند.»

دوم اردیبهشت همان سال بنی‌صدر که از حامیان سرسخت انقلاب فرهنگی بود، حکم شورای انقلاب که سرآغاز انقلاب فرهنگی بود را ابلاغ کرد. قریب به دو ماه بعد از آغاز انقلاب فرهنگی بود که حضرت امام خمینی (ره) در ۲۳ خرداد همان سال فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را صادر کرد.

دانشگاه‌ها در مهرماه ۱۳۶۲ دگرگون شده بود، اما چرا انقلاب فرهنگی صورت گرفت. نیم‌نگاهی به اظهارات هواداران و هواخواهان انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد که انقلابیون در پی حذف گفتمان ضدانقلاب بودند. گفتمانی که در دانشگاه پنهان شده بود و واقعیت رسمی را نمی‌پذیرفت. علاوه بر این مسئله، به نظر می‌رسد که تغییر فرهنگ رژیم قبلی نیز مدنظر بوده است، ایده انقلابی مستقل از غرب و شرق حالا باید در دانشگاه‌ها هم به پیروزی می‌رسید. نگاهی به نظر عوامل انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد که هدف انقلاب در نظر عوامل آن چنین بوده است.

دکتر نجفقلی حبیبی که از سوی ستاد انقلاب فرهنگی به مدیریت دانشگاه الزهرا منصوب شده بود، اعتقاد داشت صورت گرفتن یک انقلاب فرهنگی بر علیه فرهنگ رژیم قبل ضروری بود و از این رو باید «اقداماتی در جهت پاک‌سازی دانشگاه‌ها» و دیگر نهادهای اجتماعی صورت می‌گرفت. وی معتقد بود که انقلاب فرهنگی فقط خواست اسلام‌گرایان نبود و همه انقلابیون خواهان آن بودند. گروه‌هایی که از سوی جامعه طرد شده بودند، به این فکر افتادند تا محیط دانشگاه را به پایگاهی برای خود تبدیل کنند، و از همین رو در دانشگاه‌ها مراکزی برای جاسوسی و توطئه و شایعه‌پراکنی و فعالیت‌های ضدانقلابی ایجاد کرده بودند و از سوی دیگر تعداد دانشگاه‌ها و موقعیت جغرافیایی آن‌ها و رابطه این نهادها با میزان نیروی انسانی‌ای که برای این مراکز استاد تربیت می‌کنند با یکدیگر تناسب نداشتند.»

ستاد انقلاب فرهنگی طبق فرمان حضرت امام خمینی (ره) ملزم بود که در برخورد با مسائل دانشگاهی فعالیت‌های خود را بر چند محور متمرکز کند:

الف- تربیت استاد و گزینش افراد شایسته برای تدریس در دانشگاه‌ها

ب- گزینش دانشجو

ج- اسلامی کردن جو دانشگاه‌ها و تغییر برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، به صورتی که محصول کار آن‌ها در خدمت مردم قرار گیرد.

«از چند ماه قبل از انقلاب، دانشگاه‌ها و به‌ویژه دانشگاه تهران جولانگاه نیروهای چپ و چپ‌گرا شده بود و گروه‌ها و سازمان‌های چپ از جمله پیکاری‌ها، چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین خلق بود که مرکز فعالیت‌های سیاسی- نظامی خود را در دانشگاه متمرکز کرده بودند و با استفاده از امکانات دولت به فعالیت‌های ضد دولتی می‌پرداختند. این امر نه تنها مانع روال عادی

فعالیت دانشگاه‌ها می‌شد بلکه از پاک‌سازی و تصفیه دانشگاه‌ها از نیروهای وابسته به رژیم سابق هم، جلوگیری می‌کرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که تا زمان انقلاب فرهنگی، دانشگاه در کنترل دولت انقلاب نبود. به همین دلیل با حرکتی که دانشجویان مسلمان در دانشگاه تبریز آغاز کردند و سپس در اردیبهشت ۱۳۵۹ در تهران و با حمایت نیروهای انقلابی و مردمی دنبال گردید، دانشگاه از وجود گروه‌های مختلف پاک‌سازی و برای انجام انقلاب فرهنگی، تعطیل گردید. پس از آن ستادی به نام ستاد انقلاب فرهنگی از طرف رهبر انقلاب برای نظارت بر کار دانشگاه‌ها و اجرای تحولات لازم برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها تعیین شد و اداره دانشگاه‌ها از طریق تأسیس نهاد انقلابی به نام جهاد دانشگاهی در اختیار نیروهای خط امام قرار گرفت. اگرچه حرکت اولیه برای تخلیه دانشگاه‌ها حرکتی سیاسی بود، ولی این حرکت زمینه را برای انجام تحولات اساسی در دانشگاه‌ها فراهم آورد. «منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها، ص: ۱۶۱» گروه‌ها افکارشان را با استفاده از فضای باز پس از انقلاب در نشریاتی که در اختیار داشتند، در شمارگانی وسیع تبلیغ می‌کردند. در نتیجه فعالیت‌های این گروه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و حتی میدان‌ها و خیابان‌های اصلی شهرها، به صحنه‌های مشاجره و جدل‌های سیاسی و عقیدتی تبدیل شده بود. فضای سیاست‌زده آن دوران، موجب به‌وجود آمدن بحران‌های بسیاری گردید، به‌گونه‌ای که درگیری‌های حزبی و جدال‌های سیاسی جزئی از حوادث روزمره کشور شده بود. فعال‌ترین این گروه‌ها دو سازمان چریک‌های فدایی خلق و مجاهدین خلق بودند.

دانشگاه‌ها و کانون‌های علمی در این بین بیش از همه آسیب دیدند، چرا که کلاس‌های درس به دفتر گروه‌های سیاسی تبدیل شده بود و این گروه‌ها ضمن نگهداری اسلحه و تجهیزات نظامی، به تشنج‌آفرینی‌های خیابانی و ایجاد آشوب در مناطقی چون کردستان و ترکمن صحرا و سایر نقاط کشور می‌پرداختند. با مختل شدن کار عادی دانشگاه‌ها، دانشجویان مسلمان طرفدار انقلاب در اردیبهشت ۱۳۵۹، با ارائه طرحی به شورای انقلاب خواستار تعطیلی موقت دانشگاه‌ها به‌منظور پاک‌سازی گروه‌های معاند شدند. اما اجرای این طرح به‌سادگی صورت نپذیرفت و درگیری‌های خیابانی، دانشگاه‌ها را نیز در بر گرفت. سرانجام با دخالت مردم انقلابی، این گروه‌ها مجبور شدند دانشگاه‌ها را ترک کنند.

نظریه ایدئولوژی فرهنگی آلتوسر

لوئی پیر آلتوسر^۱ فیلسوف فرانسوی اندیشمندی است که بر ایدئولوژی تأکید فراوان دارد. ارتباط عمیقی که آلتوسر میان ایدئولوژی و فرهنگ ایجاد می‌کند حاکی از اعتقاد وی به نقش فرهنگ در ساخت و بازتولید ایدئولوژی است. هنگامی که تعریف فرهنگ را مشاهده می‌کنیم و در کنار دیدگاه ایدئولوژی محور آلتوسر قرار می‌دهیم حتی به این نتیجه می‌رسیم که فرهنگ نیز ایدئولوژیک است. فرهنگ یا تمدن در معنی قوم‌نگارانه‌ی آن یک کلیت پیچیده است که شامل معرفت، اعتقاد هنر، اخلاقیات، قانون، آداب رسوم و سایر قابلیت‌ها و عاداتی می‌گردد که انسان به‌مثابه عضوی از جامعه آن را کسب می‌کند. (تایلر، ۱۹۰۳: ۱) در حقیقت فرهنگ ایدئولوژیک است و بررسی ایدئولوژی در نگاه آلتوسر بدون مطالعه فرهنگ و مطالعه فرهنگ بدون بررسی ایدئولوژی میسر نیست. به طوری که بارکر معتقد است کار آلتوسر در مورد ایدئولوژی بر پیشانی تفکر مطالعات فرهنگی اهمیت به‌سزای داشت (بارکر، ۱۳۸۷: ۱۴۳) هرچند مطالعات آلتوسر در ایدئولوژی به‌ظاهر فرهنگی نیست اما قطعاً نمی‌توان آن را از فرهنگ جدا کرد به‌خصوص زمانی که در ایدئولوژی یکی از لایه‌های مهم فرهنگ بشمار می‌رود. (رک: افروغ، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، ص ۱۹) فرهنگ و ایدئولوژی کاملاً متأثر از یکدیگر عمل می‌کنند و رابطه اعدادی دارند. فرهنگ به بسط ایدئولوژی کمک و ایدئولوژی به بسط فرهنگ ایدئولوژیک. در نهایت نقطه اصلی نظریه آلتوسر این است که تغییری اگر رخ دهد ایدئولوژی و فرهنگ را توأمان تحت الشعاع قرار می‌دهد. ایدئولوژی هم تغییر کند فرهنگ تغییر می‌کند. فرهنگ تغییر کند ایدئولوژی هم تغییر می‌کند. از طرف دیگر ایدئولوژی اگر بخواهد ثبات داشته باشد باید به ثبات یا اصلاح فرهنگ به نفع خود توجه کند.

فرهنگ به‌عنوان معرفت مشترک و مهم‌ترین ساحت حیات جمعی یک جامعه همیشه دستخوش تغییر بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که در تمام ادوار زندگی اجتماعی بشر هیچ قوم و ملتی یافت نشده، که فرهنگ آن‌ها ثابت و استوار مانده باشد، بلکه فرهنگ آن‌ها، هرچند روند تغییر در میان اقوام و گروه‌ها مساوی نبوده و از شدت و ضعف‌هایی برخوردار بوده، تغییر نموده

1. Louis Pierre Althusser

است. در زندگی ابتدایی و ساده ای که بشر داشته است، جریان تغییر در فرهنگ بسیار کند و آرام صورت می گرفته، زیرا زمینه های تغییر سریع وجود نداشته است. (زند و کیلی، ۱۳۸۳: ۶۵) پس به هیچ عنوان نمی توان تغییر فرهنگی را نادیده گرفت. این تغییر صرفاً بار منفی ندارد و ممکن است تغییر به سمت اصلاح باشد اما به هر حال نمی توان آن را نادیده گرفت.

از نیمه دوم سال های ۱۸۰۰ تاکنون سرعت تحولات فرهنگی افزایش سریعی پیدا کرده است و این افزایش به علت پیشرفت هایی است که در زمینه های صنعت و فناوری به وجود آمده است، مبادلات فرهنگی نیز گسترش بیشتری یافته است. اختراع هواپیما فیلم و سینما، رادیو، تلویزیون و از این قبیل باعث تماس های مداوم فرهنگ ها و آداب و رسوم آن ها در سراسر جهان شده است. آدمی در هر شهر که باشد می تواند هم زمان از موسیقی جاز آمریکایی، فوتبال انگلیسی، و کیمونوی ژاپنی لذت ببرد. به نظر می رسد که گسترش مبادلات فرهنگی در تمهید تدوین یک فرهنگ جهانی است و این گونه تصور می شود که بسیاری از اختلافات مردم جهان در حال از بین رفتن خواهد بود. بعضی از این می ترسند که این گردش به سمت محرومیت انسان از آداب و رسومی که سال ها از آن لذت برده است باشد. عده ای دیگر بر این باورند که گسترش فرهنگ جهانی تنوع بیشتر در اختیار افراد قرار می دهد سیمای فرهنگ متنوعی که اکنون در جهان وجود دارد در همه جا زندگی را غنی تر و سرشارتر می کند. (جعفری، بی تا: ۲۱۳-۲۱۰) به عبارت دیگر، هر نظام فرهنگی دارای ماهیتی پویاست به این معنی که از وضعی ساده آغاز می کند و به تدریج پیچیده می شود و راه تکامل می سپرد. در این خصوص نظریات گوناگونی به وسیله محققان علوم اجتماعی ابراز شده است. جامعه شناسان علمی کنونی نیز بر تکامل فرهنگ تأکید می ورزند با این تفاوت که سیر فرهنگ های انسانی را نه سیری مستقیم و نه یک روند چرخشی^۱ می دانند، بلکه حرکت فرهنگ را مارپیچی به شمار می آورند به این معنی که هر فرهنگی در سیر خود الزاماً با موانع طبیعی یا اجتماعی روبه رو می شود و مدتی در جا می زند، اما بالاخره تحت تأثیر عوامل پویای درونی^۲ و نیز عوامل پویای بیرونی^۳ راه خود را می گشاید و سیر خود را دنبال می کند. منظور از عوامل پویای درونی حرکت درنگ ناپذیری است که در درون یک نظام فرهنگی جریان می یابد مانند افزایش

1. Cyclic Prosses
2. Autodynamism
3. Hetrodynamism

جمعیت و گسترش نیازهای انسانی و بسط مدنیت و توسعه نهادهای فرهنگی و بهبود کارکرد آن‌ها به منظور دادن پاسخ مناسب به نیازهای جدید. اما مراد از عوامل بیرونی این است که هیچ نظام فرهنگی نمی‌تواند از نظام‌های دیگر برکنار بماند و راه انزوا پیش گیرد. به عبارت دیگر برخورد فرهنگی^۱ بین نظام‌های فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است. (یوسفیان، زمستان ۶۸: ۲۳) همه فرهنگ‌ها ذاتاً در معرض تغییر هستند به عبارت دیگر تغییرپذیری یکی از خصوصیات ذاتی فرهنگ است. البته واضح است که سازوکارهای تغییر در فرهنگ‌ها متفاوت است و می‌تواند بسته به هجوم فرهنگی و مقاومت فرهنگی تغییر کند.

حال که تغییر فرهنگی امری بدون تردید است باید آن را شناخت و برای هدایت و کنترل آن چاره‌جویی کرد. عوامل تغییر مهم‌ترین بخش این سازوکار را تشکیل می‌دهند. عوامل تغییر فرهنگی گاهی می‌تواند چنان قوی عمل کنند که هرگونه مقاومت فرهنگی را با شکست مواجه نمایند. دهه پنجم انقلاب دهه حساسی است. ثبات انقلاب اسلامی در همه ابعاد دستخوش حملات دشمن بوده و هست. در این بین فرهنگ به عنوان هوای درون جامعه و روح ملت، بیش از همه می‌تواند تغییر کند. به خصوص زمانی که دشمنان انقلاب ناامید از نفوذ نظامی، نفوذ فرهنگی را راه استیلا بر کشور می‌دانند. توسعه کمی و کیفی فناوری‌های رسانه‌ای، اختراع و ابداع انواع ابزارهای پیام‌رسان، سرعت خیره‌کننده جریان نوسازی در کشور، اشاعه فرهنگ نوین لزوماً غربی و فرهنگ‌پذیری سریعی که در کشور ما به واسطه رشد بالای صنعت ارتباطات و رسانه وجود دارد، سبب شده است تغییرات فرهنگی در این دهه رشد بیشتری داشته باشند و عموماً از فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی ابتدای انقلاب فاصله بگیرند. الگوی ایدئولوژیک آلتوسر این نکته را یادآور می‌شود که زمانی که عوامل تغییر سازوکار تغییر فرهنگی را سرعت بخشید و این تغییرات با ایدئولوژی فرهنگی حاکمیت انقلابی فاصله ایجاد کرد، باید به تقویت ایدئولوژیک پرداخت. تقویت نظام فرهنگی انقلابی در دهه پنجم انقلاب تنها با انقلاب فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت میسر می‌شود. انقلاب فرهنگی ۵۹ هرچند با هدف اولیه اصلاح دانشگاه شروع شد اما به طور کل انقلاب ایران یک انقلاب فرهنگی است که مبتنی بر ایدئولوژی شکل گرفت. به عبارت دیگر حفظ فرهنگ ایدئولوژیک انقلابی-اسلامی بن‌مایه اصلی انقلاب فرهنگی ۵۹ بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جامعه ایران نیز طی نیم قرن اخیر سریعاً و از جهات مختلف رو به تغییر بوده است. این تغییرات تحت تأثیر عوامل مختلف صورت گرفته است. عواملی چون ارتباطات شهرنشینی، صنعتی شدن جامعه، گسترش آموزش و پرورش، تحول نظام و حوزه تعلیم و تربیت و ... در این حرکت نقش داشته است. عامل اقتصادی به عنوان مهم‌ترین و پرنفوذترین عامل تغییرات اجتماعی ایفای نقش کرده است. این عامل امروزه تحت عنوان فرآیند جهانی شدن یا تا جایی که به اقتصاد مربوط می‌شود گسترش ارزش‌های اقتصادی ایفاء نقش می‌کند. مصرفی شدن جامعه، ورود کالاهای مختلف به جامعه و یا تولید آن‌ها در داخل کشور و ... همگی تغییرات همه‌جانبه سریع و وسیعی را در تمامی عرصه‌ها، به دنبال آورده است. این قبیل تغییرات اجتماعی تغییر در قشربندهای اجتماعی تغییر در نظام رفتاری و ارزشی، تغییرات فرهنگی و .. را نیز به دنبال آورده است.

اکنون که انقلاب اسلامی ایران توانسته اقتدار لازم را در نظام بین‌المللی پیدا کند و اداره جهان را در مقیاسی وسیع به عهده بگیرد، باید به سمت تحقق آرمان‌های خود حرکت کند و راهکار و روشی برای تحقق عینی آن‌ها ارائه دهد و کارآمدی دین را در عینیت به اثبات رساند و در حال حاضر علی‌رغم وجود حکومت اسلامی و در اختیار بودن نهادهای فرهنگی در سطح کشور، مهم‌ترین دغدغه اندیشمندان، مربوط به فرهنگ و خطر تهاجم فرهنگی است. (صیادی، ۱۳۸۳: ۹۸)

با نگاهی به مسائل راهبردی و مشکلات موجود در عرصه فرهنگ به‌ویژه در حوزه تعلیم و تربیت می‌توان دریافت که تهاجمات فرهنگی دهه پنجم انقلاب از نظر ماهیتی و تعداد بیش‌تر از تهاجمات سال ۵۹ است. در نتیجه تداوم انقلاب فرهنگی لازم است. انقلاب اسلامی ایران صاحب ایدئولوژی است و بنا بر فرهنگ‌سازی توسط ایدئولوژی از دیدگاه آلتوسر لازم است انقلاب فرهنگی تداوم پیدا کند و اکنون ما نیازمند ایجاد و تحقق انقلاب فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت هستیم.

فهرست منابع

- اتسلندر، پتر (۱۳۷۱). روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی، ترجمه بیژن کاظم‌زاده، مشهد: آستان قدس، چاپ اول ازکیا، دکتر مصطفی (۱۳۷۰). **مقاله‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی**، تهران: اطلاعات
- اسدی، علی و مهرداد، هرمز (۱۳۵۶). نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه فرهنگی، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران
- اسدی، علی (۱۳۷۱). **اخبار عمومی و ارتباطات**، تهران: سروش، چاپ اول
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- افروغ، عماد (۱۳۷۹). **فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی**، تهران: فرهنگ و دانش
- آدامسون، هرل (۱۳۷۶). تأثیر اشاعه فرهنگی در تغییر فرهنگ، ترجمه نعمت‌الله فاضلی، **روزنامه اطلاعات**، اول مهرماه، شماره ۲۱۱۵۸، ص ۶۰
- آلتوسر لویی (۱۳۸۶). ایدئولوژی و سازویرگ‌های ایدئولوژیک دولت، ترجمه‌ی روزبه صدر آرا، تهران: نشر چشمه
- بارکر، کریس (۱۳۸۷). **مطالعات فرهنگی**، نظریه و عملکرد، ترجمه مهدی فرجی، نفیسه حمیدی. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات سمت
- جانسون، چالمرز (۱۳۶۳). تحول انقلابی: بررسی نظری پدیده انقلاب، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر
- خیری، حسن، (۱۳۷۲) **هنجارها تجلی‌گاه باورها و ارزش‌ها**، نشریه دیدار، صداوسیما، سال اول، شماره ۴.
- دفتر فرهنگستان علوم اسلامی (۱۳۸۰)، **یادی از استاد و یادکردی از متفکر فرزانه حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین استاد سید منیرالدین حسینی الهاشمی (قدس سره)**، قم: انتشارات فجر ولایت
- رشیدپور، ابراهیم (۱۳۴۸). **ارتباط جمعی و رشد ملی**، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
- روح‌الامینی، دکتر محمود (۱۳۶۸). **زمینه فرهنگی‌شناسی**، تهران: عطار، چاپ دوم
- زند و کیلی، مهدی (۱۳۸۳). **مردم‌شناسی فرهنگی**، قم: زمزم هدایت
- شرف‌زاده برادر، محمد (۱۳۸۳). **انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های ایران**، تهران: پژوهشکده حضرت امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی
- جمالی، مصطفی و جعفر زاده، محمدحسن (۱۳۸۴). **دولت اسلامی و نهضت نرم‌افزاری**، قم: فجر ولایت
- صالحی، سید رضا (۱۳۹۶). **مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی**، تهران: ققنوس
- صیادی، ابوالقاسم (۱۳۸۳). **انقلاب اسلامی و چالش‌های جهانی شدن فرهنگ**، زنجان: نیکان کتاب

عسگری خانقاه، دکتر اصغر (۱۳۷۲). تحول فرهنگی و الگوهای آن، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی، جلد اول، تهران: انتشارات سمت

فاضل دکتر رضا (۱۳۷۵). رادیو تلویزیون و توسعه ملی، نشریه پژوهش و سنجش، شماره ۹ و ۱۰، سال سوم

فریره، پاولو (۱۳۵۸). آموزش ستم‌دیدگان، ترجمه بیرشک و سیف ا... داد، تهران: خوارزمی، چاپ اول

کازینو، ژان (۱۳۶۴). قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، تهران: امیرکبیر

کازینو، ژان (۱۳۶۵). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، منوچهر محسنی، تهران: اطلاعات

محمدتقی جعفری- فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو- صفحه ۲۱۳-۲۱۰

محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، قم: نشر معارف

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: نشر صدرا

مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: نشر صدرا

نراقی، احسان، جامعه امروز در جنگ وسایل ارتباط جمعی، مجله راهنمایی کتاب، شماره ۹ و ۱۰ سال ۱۲

نعمتی انارکی، داود، رسانه‌های تصویری و تغییرات فرهنگی، نشریه دیدار، صداوسیما، شماره ۳، پاییز ۷۴

هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم

یوسفیان، جواد، نگاهی به مفهوم فرهنگ، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، سال اول، زمستان ۶۸، شماره ۲

Hall, Stuart. (1996): "New ethnicities. Stuart Hall: Critical dialogues in cultural studies 441-449.

Tylor, Edward b (1903), primaitive culture: Reserches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art, and Custom, vol 1 (London: John Murray, 1903).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



وجوب تحقق ثورة ثقافية في مجال التعليم و التربية بإلقاء نظرة على نظرية أتوسر لأيديولوجية الثقافية

مرتضى الغرسبان الروزيهاني^١ | محمد العبد الله زاده^٢ | أحمد الاولياتي^٣

الملخص

الثقافة، بغض النظر عن التعريفات العلمية والجامعية، باعتبارها روح المجتمع والجو الذي ينتفس فيه المجتمع، هي جزء لا يتجزأ من حياة الناس في البلاد. يتطلب هذا، إلى جانب الهوية الثقافية للثورة الإسلامية الإيرانية، مزيداً من الاهتمام بالبعد الثقافي للثورة الإسلامية الإيرانية، خاصة في العقد الخامس من الثورة في مجال التعليم و التربية. واجه العقد الخامس من الثورة، بمختلف تقلباته، وأهمها تغيير الأجيال، العديد من التحديات الثقافية، لا سيما في مجال التعليم و التربية، والتي يذكر بعضها بالتناقضات الثقافية لبداية الثورة، التي انتهت إلى الثورة الثقافية لسنة ٥٩. للثورة الثقافية. ربما تفودنا نظرية أتوسر في الأيديولوجية الثقافية، التي ترى الثقافة الأيديولوجية على أنها طريق الخلاص، إلى ضرورة استمرار أو استئناف الثورة الثقافية في مجال التعليم و التربية. يوضح هذا المقال بمنهج تحليلي توصيفي كيف من خلال حقن وجهة نظر ايديولوجية التي تتبنق من مبادئ وهوية الثورة الإسلامية الإيرانية، نسلق في منهج الماهية و لا بالضرورة مصاديق الثورة الثقافية سنة ٥٩ في العقد الخامس للثورة في مجال التعليم و التربية.

الكلمات الرئيسية: ثورة ثقافية، التعليم و التربية، أتوسر، ثقافة، إيديولوجيا.

DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.54.8.3

١. الكاتب المسؤول: طالب دكتوراه، قسم تدريس معارف الإسلامية، كلية الالهيات و الأديان، جامعة الشهيد البهشتي، طهران، إيران.

Mortezagharasban@yahoo.com

٢. طالب دكتوراه، قسم الثقافة والارتباطات، كلية دراسات العلوم الاجتماعية، جامعة باقر العلوم عليه السلام، القم، إيران.

٣. أستاذ مساعد، قسم الثقافة والارتباطات، كلية دراسات العلوم الاجتماعية، جامعة باقر العلوم عليه السلام، القم، إيران.

The Necessity of Realization of the Cultural Revolution in the Field of Education by Looking at the Theory of Cultural Ideology of Althusser

Morteza Gharasban Roozbahani¹ | Mohammad Abdullahzadeh² | Ahmad Oliaei³

Research Paper

Received:
27 July 2019
Accepted:
22 December 2019
P.P: 71-91



Abstract

Culture, beyond the scientific and academic definitions as the spirit of society and the atmosphere in which society breathes, is an integral part of the life of the peoples of the country. This important issue along with the cultural identity of the Islamic Revolution of Iran requires more attention to the cultural dimension of the Islamic Revolution, especially in the fifth decade of the revolution in the field of education. The fifth decade of the revolution, with many ups and downs that change the generation of its most important, has faced numerous cultural challenges, especially in education, which sometimes casts up the cultural contradictions of the early stages of the revolution that led to the Cultural Revolution in 1980. Perhaps the theory of the cultural ideology of Althusser, which saves ideological culture, leads us to the need for the continuation or resumption of the cultural revolution in 1980 in the field of education. This paper describes in a descriptive analytical way how to intrude an ideological look that derives from the principles and identity of the Islamic Revolution of Iran, in essence, and not necessarily the examples of the Cultural Revolution, in the fifth decade of the revolution for the field of education.

Keywords: Cultural Revolution, Education, Althusser, Culture, Ideology.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.54.3.8

1. Corresponding Author: Ph.D. Candidate , Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Mortezagharasban@yahoo.com
2. PhD student, Department of Culture and Communication, Faculty of consensus, Baqir al -Olum University, Qom, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Culture and Communication, Faculty of consensus sciences, Baqir al -Olum University, Qom, Iran.